

# مخاطب‌شناسی آیاتی از قرآن

شهریانو حاجی امیری

## چکیده

در عصر حاضر، کتب تفسیری متعددی با گرایش‌های مختلف، در دسترس می‌باشد. اما برای غنی ساختن محتوای پژوهش‌های تفسیری، ضروری است که رویکردهای جدید به مباحث تفسیری گسترش بیشتری یافته و با جزئی نمودن موضوعات، به طور کاملاً تخصصی وارد حوزه تفسیر قرآن شد.

مقاله حاضر، ابتدا به معنی‌شناسی (شک) و (مریة) که از واژگان کلیدی بحث است، پرداخته و سپس با بررسی نظرات مفسرین شیعه و سنی ذیل آیات محل بحث و طبقه‌بندی آنها، به جمع‌بندی و ارائه نتیجه نهایی پیرامون مخاطب آیه می‌پردازد.

از یافته‌های پژوهشگر در این مقاله این است که نیاز به شناخت مخاطب آیه در بعضی از آیات به طور جدی مطرح می‌گردد، چرا که بعضی آیات شالوده‌اعتقادی ما را شکل داده و فهم ناصحیح از محتوای آیه و عدم تطبیق درست آیه بر مخاطب آن، باعث شکل‌گیری اعتقادات ناصحیح در ذهن ما می‌گردد.

واژگان کلیدی: شک - مریة - خطاب آیه

در سلسله بحث های تفسیری، (مخاطب شناسی آیات) از رویکردهای جدیدی است که به طور خاص، وارد فضای آیه شده و جوانب مختلف آیه اعم از معنا شناسی مفردات آن، شان نزول آیه و تفسیر آن را بررسی نموده تا به نگاهی صحیح پیرامون مخاطب آیه دست یابد.

معرفت مخاطب حقیقی آیه نقش بسیار مهمی در بهره گیری از قرآن دارد و دیدگاه های اعتقادی و معرفتی ما را شکل می دهد؛ به عنوان مثال، برای دریافت پیام های تکلیفی قرآن همچون وجوب، استحباب، کراهت و هم چنین پیام های اخلاقی و تاریخی و نصایح قرآن می بایست. مخاطب آیه را به درستی شناخت، تا بتوان دریافت صحیحی از پیام آیه داشت.

### معنا شناسی واژه های «شک» و «مریه»

#### واژه شک:

عده ای از اهل لغت «شک» را همان «ارتیاب» و «ریب» می دانند که خلاف یقین است. و در واقع، «شک» نقیض یقین است.<sup>۱</sup> اما در بررسی ریشه این واژه میان اهل لغت اختلاف نظر وجود دارد. به عنوان مثال، «فراهیدی» فقط یک احتمال درباره اصل این واژه، مطرح می کند و معتقد است: شک از (شککته بالرمح) آبی خرقته می باشد یعنی «شک» همان ایجاد پارگی در شیء است.<sup>۲</sup>

اما «راغب اصفهانی» پیرامون ریشه «شک» دو احتمال را مطرح می کند: الف: از (شککت الشیء) به معنی پاره کردن باشد، چرا که «شک» نوعی پارگی در امر است به گونه ای که رأی ثابتی در آن نباشد و نتوان بر آن اعتماد کرد. ب: برگرفته از «شک» باشد که همان چسباندن بازو به پهلو و کمر است و دلیل آن، این است که دو امر نقیض به هم چسبیده اند و جایی برای فهم در آن نیست که در آن میان فاصله اندازد. (جلوی تردید را بگیرد).

که عده ای از این معنی اخیر به «ضیق و تنگی» تعبیر نموده اند.<sup>۳</sup>

تحلیل پژوهشگر این است که بهترین معنا برای «شک» همان معنای «خَرَق» و پارگی است. چون در واقع در «شک» میان رشته علم ما به یک شیء پارگی ایجاد شده و با این شکاف، علم ما دچار «شک» و عدم ثبات می شود.

#### واژه مریه

واژه «ممتزین» در آیه شریفه ۹۵ سوره یونس از «مری» اخذ شده است.

فراهیدی، «مریه» را از «مری» دانسته و می گوید:

(مری: أرأت الناقه إذا ضرعها أنها أقرب و أنزلت و هی مرأی) یعنی: شتر را دوشیدم

چرا که پستانش پر شده و نزدیک بود که جاری شود.<sup>۴</sup>

«راغب اصفهانی» نیز «مریه» را از «مرئت الناقه» می داند و معتقد است «مریه» تردید

در امر است و اخص از «شک» می باشد.<sup>۵</sup>

ابن منظور نیز به مانند دیگر لغویون، «مریه» را معنا نموده و معتقد است: «مریه» و

«مریه» همان «شک» و «جدل» است. و «امتراء فی الشیء» را همان «شک» و تردید در

امر می داند.<sup>۶</sup>

برداشت ما این است که «مریه» از «أرأت الناقه» اخذ شده است و ربط میان «شک» و

تردید با «مرأی» آن است که در شیر دوشیدن دست از بالا به طرف پایین کشیده می شود و

دوباره بر می گردد و این کار چند بار تکرار می شود، و این امر در تردید هم وجود دارد

چون «شک» و دودلی در مورد یک امر حالت ارتجاعی داشته و انسان تا مرحله یقین پیش

رفته و دوباره به «شک» قبلی بر می گردد. و در واقع «مریه» نوعی خاص از «شک» است.

طرح آیات محل بحث:

فان كنت في شك مما انزلنا اليك فسئل الذين يقرؤن الكتاب من قبلك لقد جئتك

الحق من ربك فلا تكونن من الممترين. و لا تكونن من الذين كذبوا بآيات الله فتكون

من الخاسرين. (یونس، ۱۰/۹۴-۹۵)

و اگر از آنچه بر تو نازل کردیم در تردید هستی، از کسانی که از پیش از تو کتاب

آسمانی را خوانده اند، پرس و جو کن، بی شبهه حق از سوی پروردگارت بر تو نازل شده

است، پس هرگز از دو دلان مباش. و از زمره دروغ انگاران آیات الهی مباش که از زیانکاران

### بررسی مخاطب و محتوای آیات محل بحث

مفسران در ذیل آیات ۹۴ و ۹۵ سوره «یونس» وارد بحث مخاطب شناسی در این آیات شده اند تا در پرتو آن به یک تفسیر صحیح از آیه برسند.

اقوال مفسران پیرامون مخاطب آیه ها در دو بخش اصلی به همراه احتمالاتی مطرح است که در این مجال به ارائه این اقوال می پردازیم.

دو دسته اصلی عبارتند از:

الف: گروهی خطاب در آیه را به پیامبر (ص) می دانند.

ب: گروهی دیگر از مفسران معتقدند خطاب به پیامبر (ص) نبوده بلکه خطاب عمومی است.

مفسران دسته اول همگی خطاب را به پیامبر (ص) می دانند ولی در نحوه اسناد خطاب به آن حضرت، دیدگاههای مختلفی دارند.

#### اقوال مفسرین دسته اول:

۱. مفسران در این گروه قائلند خطاب در آیه به پیامبر (ص) است ولی مراد آن متوجه غیر او از امتش می باشد. و در واقع خطاب آیه از نوع ضرب المثل «ایاک أعنی و اسمعی یا جاره»، که در میان عرب رایج بوده، می باشد.

«فیض کاشانی» در تفسیر «صافی» ذیل آیات محل بحث پس از ذکر روایاتی چند، نظر خود را پیرامون آیه چنین بیان می کند: خطاب در آیه از نوع (ضرب المثل) ایاک أعنی و اسمعی یا جاره می باشد.<sup>۸</sup>

حویزی در تفسیر نورالثقلین به نقل از کتاب شرائع حدیثی را با واسطه از علی بن محمد (ع) نقل می کند که در پاسخ به این سوال که مخاطب آیات ۹۴ و ۹۵ سوره یونس کیست و اگر مخاطب در آنها پیامبر (ص) است، که او در آنچه به او نازل می شد، در شک نبود و اگر مخاطب غیر اوست، مگر بر آنان چیزی نازل می شده؟ می فرمایند:

در این آیه مخاطب رسول خدا است و او در شک نبود، بلکه جاهلان گفتند: چرا

به سوی ما پیامبری از ملائکه نمی آید، چرا که فرقی نیست میان پیامبر ما و غیر او در بی نیازی از خوردن و نوشیدن و راه رفتن در بازارها، در این جا بود که خداوند به رسولش وحی نمود که پیرس از اهل کتاب که قبل از تو اهل قرائت کتاب بوده اند به اینکه آیا رسولی بر آنها فرستاده نشد مگر آنکه طعام می خورد و در بازارها راه می رفت و برای آنها اسوه و رهبر بود؟<sup>۹</sup>

صاحب تفسیر نور الثقلین در ادامه، تأییدات قرآنی بر این قول را هم می آورد. و معلوم می گردد خودش نیز قائل بوده که خطاب در آیه به پیامبر (ص) است، ولی مراد غیر اوست. ابن عطیه در تفسیر المحرر الوجیز رأی صواب در آیه را این گونه می داند که:

صحیح آنست که خطاب در آیه به پیامبر (ص) است و مراد به آن غیر او می باشد، حال هر که امکان دارد که شک کند یا آنکه معارضه نماید.<sup>۱۰</sup>

ماوردی نیز در تفسیر النکت والعیون پیرامون خطاب در آیه دو وجه را مطرح می کند:

الف: خطاب به پیامبر (ص) است و مراد بدان امت اوست، همان گونه که خداوند فرموده:

**یا ایها النبی اذا طلقتم النساء.** (طلاق، ۱/۶۵) ای پیامبر! آن زمان که زنان را طلاق دادید.

ب: خطابی است که بر عادت عرب جاری گشته است و آنها برای ایجاد پذیرش یک امر و آگاهی دادن بر اسباب طاعت مثل هایی دارند از قبیل کلام یک مرد به پسرش که اگر تو پسر من هستی، پس به من نیکی کن. که در این مورد، فرزند هیچ شکی در اینکه فرزند پدرش است، ندارد بلکه برای تقریر و فهماندن این کلام از سوی پدر گفته شود.<sup>۱۱</sup>

قابل ذکر است به دلیل تقدمی که ماوردی برای نظر اول قائل شده و هم چنین شاهد مثال قرآنی برای آن می آورد، معلوم می گردد احتمالاً خودش به نظر اول متمایل بوده است.

قرطبی در الجامع لأحكام القرآن خطاب در آیه را متوجه پیامبر (ص) دانسته ولی مراد بدان را متوجه غیر او می داند و می گوید: معنای آیه این گونه است:

لست فی شک و لکن غیرک شک؛ یعنی تو در شک نیستی بلکه غیر تودر شک هستند.

وی کلام خود را به کلام ثعلب و مبرد مستند کرده و قول آن دو را ذیل آیه می آورد.

وی خطاب در آیه ۹۵ سوره یونس را از همین قبیل می‌داند. ۱۲

ثعالبی نیز در تفسیر خود معتقد است: نظر صحیح در معنی آیه این است که خطاب در آیه به پیامبر (ص) و مراد بدان غیر او از امتش می‌باشد از هر که ممکن است شک کند یا به معارضه برخیزد. ۱۳

۲. عده دیگری از مفسرین در تعیین مخاطب آیه از قواعد ادبی سود برده و اظهار می‌دارند، «إن» موجود در ابتدای آیه ۹۴ سوره یونس، شرطیه بوده، و قضیه «شرطیه» محقق الوقوع نیست، بدین معنی که در یک قضیه شرطیه، فعل شرط الزامی برای وجود ندارد و این قضیه به صورت انتزاعی مطرح شده و می‌گوید: اگر در فعل شرط محقق شود، جواب شرط حتما در پی آن خواهد آمد.

این مفسرین، شک در آیه را بر سبیل فرض و تقدیر گرفته‌اند، که عمده قائلین این احتمال از اهل سنت بوده‌اند.

ابی حیان اندلسی در مقدمه تفسیر خود البحر المحيط می‌گوید:

ظاهر کلام این است که «ان» شرطیه مقتضی تعلیق شیء نیز نمی‌باشد، بلکه گاه پیش می‌آید که مستلزم امر محال گردد. مانند آیه زیر:

قل ان كان للرحمن ولداً فأنا اول العابدین. (زخرف، ۸۱/۴۳) بگو اگر برای خدای رحمان فرزندی بود، من خود نخستین پرستنده بودم.

همان گونه که در آیه فوق محال است که برای خداوند فرزندی باشد، هم چنین برای پیامبر (ص) هم محال است که در شک باشد.

وی معتقد است چون این وجه در آیه بر مردم پوشیده مانده، به این تفسیر که خطاب در آیه به پیامبر (ص) و مراد غیر اوست، روی می‌آورند. ۱۴

ابی السعود نیز شک در آیه را بر فرض تقدیر گرفته و معتقد است که مضمون شرطیت همانا تعلیق یک شیء بر شیء دیگر است بدون آنکه متعرض امکان یکی از دو طرف باشد، و حتی گاه پیش می‌آید دو طرف قضیه شرطیه ممتنع الوجود هستند مانند قول خداوند در آیه ۸۱ سوره زخرف (که ذکر آن گذشت).

وی ذیل آیه ۹۵ می‌گوید:

خداوند به پیامبرش گفته: با تزلزل از آنچه تو بر آن جزم و یقین داری، از شک

کنندگان مباش و بر آنچه بدان اعتقاد داری، پایدار باش.<sup>۱۵</sup>

فخر رازی در تفسیر الکبیر به طور مبسوط زوایای این دو آیه را بررسی نموده و اقوال مختلف به همراه شواهد آنها را آورده است. وی در بین این اقوال با تعبیر اقول نظر خود را اظهار کرده و می گوید:

شک لازم الوقوع نیست و در آیه دلالتی بر وقوع شک وجود ندارد و فقط آیه می گوید: ماهیت این شرط مستلزم ماهیت آن جز است. همین و بس.

وی فائده نزول آیه را چنین می داند:

فائده نزول آیه تکثیر دلائل و تقویت این دلائل در آنچه که نیروی یقین را افزایش می دهد و بر آرامش نفس می افزاید.<sup>۱۶</sup>

آلوسی در روح المعانی آورده است:

قولی است که معتقد است خطاب در آیه ۹۴ سوره یونس به پیامبر (ص) است و مراد آن اینست که اگر به طور فرض و در تقدیر بر شک هستی، چنان کن، چرا که شک از سوی پیامبر (ص) قابل تصور نیست زیرا پوشش و حجاب برای او برداشته شده و حقیقت را می بیند.

وی می گوید:

همان گونه که از ظاهر آیه بر می آید، صدق شرطیت متوقف بر وقوع آن نیست و مراد آیه استدلال به حقانیت قرآن نازل شده بر پیامبر (ص) و استشهاد به آنچه در

کتب پیشین بوده، می باشد.<sup>۱۷</sup>

۳. از دیگر اقوالی که طرفداران کمتری را به خود اختصاص داده و در لایبای کتب تفسیر ردی از آنها بر جای مانده، می توان به این قول که خطاب در آیه به پیامبر (ص) بوده و به قصد تقریر و افهام صورت پذیرفته، اشاره نمود. مفاد این قول به اجمال در بعضی از تفاسیر آمده است که در ذیل بدان اشاره می شود:

طبرسی این قول را به نقل از فراء و غیر او در مجمع البیان آورده است که بیان آن بدین شرح است.

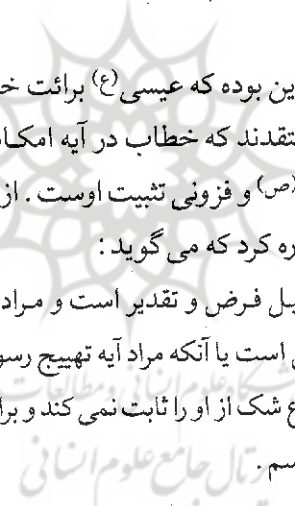
خطاب در آیه به رسول خدا (ص) است هر چند او شک نمی کرده و خداوند می دانست که او در شک نبود، ولیکن کلام به قصد تقریر در افهام صادر گردیده،

همان گونه که شخصی به بنده اش می گوید: اگر تو بنده من هستی، پس مرا اطاعت نما و... و چه بسا این آیه در مقام مبالغه در امر محال است مانند این قول: آسمان بر مرگ فلانی گریست؟ یعنی اگر آسمان بر مرگ میتی بگرید، حتما بر این شخص خواهد بود. و معنی آیه در اینجا این گونه می شود: اگر تو از آن کسانی بودی که شک می کنند و در پی آن شک می نمودی، آنگاه از اهل کتاب باید پرسید؟<sup>۱۸۴</sup>

قابل ذکر است که فخر رازی نیز در تفسیر خود به عنوان احتمال دوم در آیه، این قول را مطرح می کند و می گوید: قائلان این نظر، آیه ۹۴ سوره یونس را هم چون قول خداوند در:

أَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَأُمِّيَ الْهَيْنَ مِنْ دُونِ اللَّهِ. (مائده، ۵/۱۱۶) و آنگاه خداوند گوید ای عیسی بن مریم آیا تو به مردم گفتی که من و مادرم را هم چون دو خدا به جای خداوند پرستید؟

می دانند که مراد خداوند این بوده که عیسی (ع) برائت خود را اظهار نماید. ۱۹  
۴. گروهی از مفسران معتقدند که خطاب در آیه امکان وقوع شک برای او را اثبات نمی کند و آیه برای تهییج رسول (ص) و فزونی تثبیت اوست. از جمله قائلان این نظر می توان به صاحب تفسیر بیضاوی اشاره کرد که می گوید:

شک در آیه بر سبیل فرض و تقدیر است و مراد آیه آن است که قرآن، مصدق کتب انبیای پیشین است یا آنکه مراد آیه تهییج رسول (ص) و فزونی تثبیت اوست. و به هیچ روی وقوع شک از او را ثابت نمی کند و برای همین پیامبر (ص) فرمود: شک نمی کنم و نمی پرسم.   
وی در ادامه می گوید:

آیه تشبیهی است به اینکه هر که شبهات دینی در او خلجان و شدت یافته، باید به اهل علم مراجعه کند.

وی آیه ۹۵ سوره یونس را نیز از باب تهییج و تثبیت و قطع طمع از پیامبر (ص) دانسته است. ۲۰

۵. عده ای از مفسران روایی ذیل آیه های محل بحث با استفاده از شأن نزول آیه به



تعیین مخاطب و محتوای آیه می پردازند که از آن جمله می توان به صاحب تفسیر فرات کوفی، در شیعه اشاره نمود.

وی حدیثی را به طور معنعن از زرارة بن أعین نقل می کند که :-

از ابی جعفر(ع) پرسیدم: تفسیر آیه ۹۴ سوره یونس چگونه است؟ و اینکه آنان چه کسانی هستند که پیامبر(ص) در این آیه امر شده که از آنان بپرسد؟  
امام(ع) فرمودند: رسول خدا(ص) وقتی به آسمان معراج کرد، در آسمان چهارم بود که خداوند پیامبران و صدیقین و ملائکه را جمع نمود و جبرئیل امر به گفتن اذان شد و رسول خدا(ص) در جلوی جمع قرار گرفت و همگان در پشت او نماز گزارند، وقتی نماز به پایان رسید، از آنها پرسیده شده به چه کسی شهادت داده اید؟

گفتند: شهادت می دهیم که خدایی جز خدای ما نیست و اینکه تو رسول خدا هستی و علی(ع) امیر مومنان است و این است معنی قول حق تعالی: فستل الذین یقرئون الكتاب من قبلک. (یونس، ۱۰/۹۴) ۲۱

طبرسی در مجمع البیان این قول را از زهری با این مضمون که این آیه در آسمان در شب معراج نازل شده، آورده است. و در پی آن ادعا می کند که این قول را اصحاب ما از امام صادق(ع) هم نقل نموده اند. ۲۲

در راستای گروه اول مفسران که خطاب در آیه ها را متوجه پیامبر(ص) می دانند، دو قول فرعی دیگر هم داریم که به عنوان یک نظر کلی دارای قائلانی نیست، بلکه در خلال تفاسیر به آنها دست یافتیم که بدان اشاره می کنیم:

اول: از تفاسیر بر می آید که برخی مانند زجاج، «إن» در آیه ۹۴ سوره یونس را نافیه دانسته اند، بدان معنی که تو شاک نیستی، بلکه برای ازدیاد بصیرت از اهل کتاب بپرس. و دعوت در آیه برای ازدیاد یقین پیامبر(ص) است مانند داستان حضرت ابراهیم(ع) که با معاینه احیاء موتی به یقین رسید. ۲۳

بدین ترتیب افرادی مانند زجاج با نافیه دانستن «إن» در آیه از ریشه، باب بحث و جدل را بسته اند و جایی برای طرح این اشکال که آیا شک بر ساحت پیامبر(ص) عارض می شود یا نه؟ باقی نگذاشتند.

## نقد سید مرتضی بر نافیہ بودن «إن»

سید مرتضی در امالی ذیل تأویل آیات محل بحث بیان می کند:

بعضی مفسران را یافته ام که «إن» آیه را جحد می دانند و تقدیر کلام این گونه می شود:

تو نسبت به آنچه بر تو نازل کردیم، در شک نیستی و شواهد آنان بر این قول عبارت است از:

۱. قالت لهم رسلهم إن نحن إلا بشر مثلکم . (ابراهیم، ۱۴/۱۱)

۲. إن أنت إلا نذیر . (فاطر، ۲۳/۳۵)

شکی نیست که لفظ «إن» در بعضی مواضع به معنی «ما» نافیہ می باشد، ولی در این موضع شایسته نیست که «إن» نافیہ باشد، چرا که جایز نیست خداوند بگوید: تو در شک نیستی نسبت به آنچه به سوی تو فرستادیم، پس از اهل کتاب بپرسی چون شخص عالم حاجتی به پرسش ندارد و آن کسی محتاج پرسش است که در شک باشد. ۲۴

دوم: برخی دیگر از مفسران در معنای شک، تصرف نموده و معتقدند شک، در آیه شریفه به معنای تنگی قلب است. قرطبی در تفسیرش این نظر را با قیل که صیغه تمریضیه است و نشانگر ضعف قول است، می آورد و در توضیح نظر آنان می گوید:

شک، تنگی قلب است و معنی آیه چنین می شود: اگر قلب تو به واسطه کفر این مردم تنگ شده است، صبر کن و از اهل کتاب بپرس تا تو را از صبر انبیای پیشین برآزار قومشان و عاقبت کار آنها، یا خیر سازند. ۲۵

اقوال مفسران دسته دوم:

مفسران این طبقه، خطاب در آیه را عمومی دانسته و معتقدند همه مکلفین را شامل می شود، اعم از شاکین و غیر شاکین. و خطاب این چنینی را شیوه رایجی در عرف خطاب می دانند که سیره عقلاء هم بدان اخذ نموده اند.

از مهمترین قائلان این نظر می توان به صاحب تفسیر المیزان و تفسیر من هدی القرآن در شیعیه اشاره کرد، که نظرات آنان در ذیل ارائه می گردد.

محمد تقی مدرسی در تفسیر من هدی القرآن معتقد است:

خطاب های قرآنی واجب نیست که متوجه رسول خدا(ص) باشد چرا که قرآن کتاب خدا به سوی همه مردم است و لازم نیست هر چه در خطاب آیات دیدیم، آن را تأویل کنیم.

وی در ادامه به یکی از حقایقی که این آیات به ما می دهد، اشاره می کند و می گوید: شک و یقین دو عمل از اعمال بشر هستند که آنها را به طور ارادی اختیار می کنند و این به دلیل آنست که شک به سبب انعدام علم است و این امر برای بشر لازم و ضروری است و به دلیل ناتوانی بشر همواره همراه او بوده است. ولی گاه شک تابع هوی و هوس است و بسیاری از کسانی که در حقایق شک می کنند، تابع هوی و هوس می باشند و در شک خود اقرار گذشتگان خود را هم دارند و همین که از فکر منطقی بهره ای نبرده اند و جست و جوی آنها برای معرفت از منابع سالم نمی باشد و هم چنین این افراد از مسئولیت علم می ترسند، برای همین پروردگاران پیامبر(ص) را نهی نموده که یکی از افراد شک کننده باشد، چرا که شک از اعمال انسانی است.<sup>۲۶</sup>

علامه طباطبایی(ره) در تفسیر گران سنگ المیزان، شک در آیه ۹۴ سوره یونس را همان «ریب» می داند و آیه را این گونه معنا می کند:

ای پیامبر(ص) اگر تو نسبت به معارفی که به مبدأ و معاد بر می گردد و آن قصه هایی که اجمالاً درباره انبیاء که گویا سنت الهی جاری در میان امت ها بوده، برایت گفتیم، در شک هستی، از اهل کتاب که همواره در حال خواندن کتاب نازل شده از آسمان هستند، پرس.

و قسم یاد می کنم حق از سوی پروردگارت به سوی تو آمده و از آنان که اهل تردید هستند، مباش.

وی معتقد است این کلام حق تعالی مستلزم وجود شک در قلب پیامبر(ص) نمی باشد، چرا که این خطاب عمومیت دارد و شامل شاکین و غیر شاکین می شود و این شیوه را شیوه رایجی در عرف خطاب و تفاهم می داند که سیره عقلاء هم بدان استناد کرده اند.

علامه کلام این آیات را به نوعی کنایه می داند و می گوید:

شیوه استدلال بر این روش است که در یک امر همه استدلال ها را بر اثبات آن امر

بیان نمی‌کنند، بلکه یکی از استدلال‌ها را آورده و در پی آن می‌گویند:

اگر شک داری و یا مطلوب را نمی‌یابی، استدلال‌های دیگری نیز در اثبات این مطلب وجود دارد و معنی کنایه در این آیات این است که حجت‌ها فراوان و پشت به پشت وجود دارد، به طوری که بیان بیش از یک مورد آن احتیاجی نیست. و تاویل کلام خداوند این گونه می‌شود. این معارف که خداوند برای تو تبیین کرده است، همراه با استدلال‌هایی است که عقل را ناچار به قبول می‌کند و خداوند همه این معارف را در کتابی که هیچ شکی در آن نیست، آورده است، و علاوه بر آنچه به عنوان حجت در آن آوردیم، در اینجا حجتی دیگر هم وجود دارد مبنی بر آنکه اهل کتاب که حق قرائت کتب آسمانی را وفا نموده‌اند، می‌دانند که در آن کتاب مطالبی از مبدأ و معاد است و اینکه هیچ امتی نیست مگر آنکه افراد آن در مصدق و مکذب تقسیم می‌شوند.

وی آیه اولم یکن لهم آیه أن یعلمه علماء بنی اسرائیل. (شعراء، ۱۹۷/۲۶) را در راستای آیه ۹۴ سوره یونس در القای حجت و دلیل می‌داند.

علامه ذیل آیه ۹۵ سوره یونس می‌گوید:

در این آیه در درجه اول نهی از ارتیاب و شک و دودلی است. و در مرحله بعد نهی از تکذیب آیات الهی که همان عناد با حق و استکبار و رزیدن می‌باشد، بدان اضافه شده است. و قطعه پایان آیه فتکون من الخاسرین تفریع بر تکذیب الهی است و در واقع آنچه از آن نهی شده، همین خسران است.<sup>۲۷</sup>

بررسی اجمالی نظر دسته اول و دوم:

در دسته اول، افراد بالاتفاق خطاب را متوجه پیامبر (ص) دانسته‌اند و برای تبیین آن از طرق مختلف وارد شده‌اند، که تقریباً نظرات آنان با هم قابل جمع است و در واقع زوایای مختلف بحث را روشن می‌کند.

البته قابل ذکر است که دو قول اول در دسته اول، دارای استنادعرفی و ادبی بوده و قابل تأمل می‌باشد. اما نظر دسته دوم که در اصل و اساس با دسته اول متفاوت است، اظهار می‌دارد که خطاب در آیات عمومی بوده و همه مکلفین را شامل می‌شود. این دسته از یک منظر، از ظاهر آیه (این گنت) دست برداشته‌اند. و خطاب مفرد در آیه را به خطاب

جمع تأویل می‌برند، ولی از سوی دیگر با واقع‌نگری پیرامون شک و اینکه از اعمال انسانی است، وارد تفسیر آیه شده‌اند، و تا حد زیادی به معنی حقیقی آیه نزدیک شده‌اند، در حالی که تأویلات دسته اول تا حدی انتزاعی بوده و عینی و واقعی نیست.

بررسی موصول عام (ما) و موصول خاص (الذین) در آیه ۹۴ سوره یونس در آیه ۹۴ سوره یونس دو موصول آمده که یکی موصول عام در **مما انزلنا الیک** می‌باشد و دیگر موصول خاص است که (الذین) در **فاستل الذین یقرئون الكتاب من قبلک** می‌باشد. در اینجا به بررسی و شناخت متعلق این دو موصول می‌پردازیم، چرا که در فهم صحیح ما از آیه دخیل می‌باشد.

### بررسی موصول عام (ما) در **مما انزلنا الیک**:

مفسرین در تفسیر «ما» به دو گروه تقسیم می‌شوند:

الف: عده‌ای از مفسرین مراد از «ما» را قصص می‌دانند.

ابی السعود در تفسیرش معتقد است: (ما) همان قصص است که از آن جمله می‌

توان، قصه فرعون و قومش و اخبار بنی اسرائیل را بر شمرد. ۲۸

آلوسی نیز به مانند ابی السعود معتقد است مراد از موصول (ما) قصص است و معنی آیه را چنین بیان می‌کند: اگر تو نسبت به قصه‌هایی که بر تو نازل شده، از جمله قصه فرعون و قومش و اخبار بنی اسرائیل، در شک هستی، از اهل کتاب پرس چون این امر نزد آنان محقق است و در کتابشان نیز مذکور است. وی در توضیح اینکه چرا در مراد موصول، فقط قصص را ذکر کرده نه دیگر احکام الهی را، می‌گوید:

احکام نازل شده بر پیامبر (ص) ناسخ احکام اهل کتاب و مخالف با احکام آنان

بوده، پس اینگونه تصور نمی‌شود که در مورد این احکام، پیامبر (ص) امر به

سؤال شده باشد، بلکه مراد پرسش از قصص است. ۲۹

ب: برخی دیگر از مفسرین مراد از «ما» را معارف بنیادین می‌دانند.

از این دسته می‌توان به قول علامه طباطبائی<sup>(ره)</sup> در المیزان اشاره کرد که وی مراد از

موصول در **مما انزلنا لیک** را همان معارفی می‌داند که به مبدء و معاد و سنت الهی در قضا بر

امت‌ها بر می‌گردد. ۳۰

به نظر می‌رسد نظر علامه طباطبایی<sup>(ره)</sup> به صواب نزدیکتر باشد چرا که سرچشمه معارف مربوط به مبدأ و معاد و سنن الهی در ادیان مختلف واحد است، لذا پیامبر (ص) امر شده که از این معارف مشترک بین دین خود و سایر ادیان بپرسد.

### بررسی موصول خاص (الذین) در آیه ۹۴ سوره یونس

پیامون مراد آیه از الذین اقوال مختلف است، بعضی مفسران، اقوال مختلف را در تفسیر خود آورده و نظر خاصی پیامون آن نمی‌دهند و برخی دیگر تنها نظر خویش را در این باره را ذکر می‌کنند.

سید مرتضی از دانشمندان بزرگ علوم قرآنی سه احتمال را برای پیامون الذین مطرح می‌کند. الف: آنان که از اهل کتاب به سوی حق برگشته مؤمن شدند و هر کسی که مانند آنها از یهودیت به اسلام گرویده مانند کعب الاحبار و غیر اینها مؤمنینی، از اهل کفر و باطل، که صفات پیامبر (ص) و بشارت بدان را تصدیق نمی‌کردند.

ب: جماعت یهود اعم از کافران و ایمان آورندگان مراد است، آنان بدانچه که در کتب آنها در بشارت پیامبر (ص) وصف شده، آمده بود، تصدیق می‌کردند ولی ادعا می‌نمودند که مصداق آن غیر از پیامبر (ص) هستند. و خداوند به پیامبر (ص) می‌فرماید: اگر تو صفات را با صفات پیامبر بشارت داده شده، مقایسه کنی، در می‌یابی که پیامبر بشارت داده شده، تو هستی.

ج: پیامبر (ص) امر به پرسش از بشارت نسبت به خودش در کتب اهل کتاب نشده بود، چون آنها این مطلب را تصدیق نمی‌کردند، بلکه امر شده بود که از آنان پیامون نکاتی که در آیه ۹۳ سوره یونس (آیه پیشین) آمد بپرس یعنی: و لقد بوأنا بنی اسرائیل مبعواً صدق و رزقناهم من الطیبات فما اختلفوا حتی جائهم العلم و بنی اسرائیل را در جایی درست ماوا دادیم، و از پاکیزه‌ها به آنان روزی بخشیدیم، و بنای اختلاف بنهادند مگر زمانی که خبر وحی به آنان رسید؛ بی‌گمان پروردگارت در روز قیامت در آنچه اختلاف ورزیده‌اند، بین آنان داوری خواهد کرد.

یعنی خداوند می‌گوید: اگر نسبت به آن نعمت‌هایی که به بنی اسرائیل داده‌ام، و در آیه قبل بدان اشاره شد، در شک هستی، از یهود بپرس، چون یهود آن را نفی نکرده، بلکه بدان اقرار داشته و به مقام آن افتخار می‌کنند.

سید مرتضی (ص) می گوید: وجه اخیر از حسن بصری است. ۳۱

آلوسی در تفسیر خود دو احتمال پیرامون الذین می آورد:

الف: ایمان نیاوردگان (کافران) از اهل کتاب مراد است؛ چون اخبار موافق آنها با آنچه که خدا بر پیامبر (ص) نازل نموده، به مقصود نزدیکتر است (یعنی چنانچه اخباری که آنها می دهند، با اخباری که پیامبر (ص) می دهد، موافق باشد، این دلیل بر صحت اخبار است).

ب: مومنین اهل کتاب مانند عبدالله بن سلام و تمیم داری، مراد است که قولی است که به ابن عباس نسبت داده شده و از ضحاک و مجاهد هم نقل شده است. ۳۲.

قرطبی در تفسیرش از قول مبرد و ثعلب مراد از الذین را یهودیانی می داند، که اسلام آورده اند یعنی عبدالله بن سلام و مانند او. و معنی کلام را این گونه بیان می کند:  
رسول خدا (ص) کافران را فراخواند تا از کسانی که به زعم آنها آگاه ترند، بپرسند، که آیا خداوند پس از موسی (ع) پیامبری فرستاد یا نه؟! ۳۳

در این میان محمد تقی مدرسی از مفسران معاصر شیعی، تفسیر نسبتاً متفاوت از موصول الذین ارائه داده است که قابل تأمل است:

وی معتقد است در آیه منظور این نیست که از رسول خدا (ص) و مؤمنان بخواهد که به سوی شخص مانند عبدالله بن سلام روند و از او بپرسند، بلکه کسی که عارف به تاریخ رسولان است، مراد می باشد، یعنی مراجعه به خیره های تاریخ از هر طائفه ای و طبیعی است که سؤال از آنان حقایق قرآنی را تأیید می کند، البته به شرط وثاقت آنها. ۳۴  
بر اساس اینکه سیاق آیات، پیرامون بنی اسرائیل و نعمت هایی که بدانها اعطاء شده، می باشد، به همین دلیل به نظر می رسد، احتمال سوم سید مرتضی به صواب نزدیک تر باشد. و شرط هماهنگی با سیاق را دارا باشد.

از سوی دیگر احتمالی که محمد تقی مدرسی مطرح می کند به نوعی الگو برداری از محتوای کلام آیه است و ایشان در واقع یک اصل را از آیه برداشت می کند که در همه زمان ها و مکان ها صادق است.

## جمع بندی و نتیجه گیری

نظرات و روایات مختلف در ذیل آیات محل بحث با هم متعارض نیستند بلکه تقریباً متداخلند و هر کدام به جهتی از آیه، که روشنگر معنای آیه می باشد، پرداخته اند، و برای رسیدن به فهم صحیحی از معنای آیه می توان از هر یک از آن نظرات بهره برد. از دیرباز دانشمندان علوم قرآنی قواعدی را برای رسیدن به تفسیر صحیح آیات مورد توجه قرار داده اند که از آن جمله می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

**الف: سازگاری با قواعد ادبیات عرب**

**ب: توجه به قرائن موجود و...**

در این مجال با بهره گیری از بعضی از این قواعد، سعی در ارائه تأویلی صحیح از آیات، محل بحث داریم:

بر اساس قاعده اول که سازگاری با قواعد ادبیات عرب است؛ می توان گفت: در آیه ۹۴ سوره یونس از سیاق شرط استفاده شده است و با استناد به کلام ابی حیان اندلسی در تفسیرش «ان» شرطیه مقتضی تعلیق شیء بر شیء دیگر است و مستلزم حتمی بودن وقوع آن شیء و یا امکان وجودی آن شیء نیست بلکه گاه پیش می آید که شرط، مستلزم امر محال گردد.

بر اساس قاعده دوم که توجه به قرائن موجود است، می توان به قرائنی اخذ نمود از جمله:

**الف: قرینه منفصل لفظی**

قرینه منفصل لفظی، که همان روایات موجود در ذیل آیات می باشد و تا حدود زیادی زوایای مختلف آیات را آشکار می کند. که این قرائن بیشتر در تفاسیر روایی یافت می شود و ما نیز در پژوهش حاضر از آنها بهره برده و مقداری از آن را ارائه نمودیم. که این روایات بعد از بررسی سندی و اثبات صحت سند آنها، تا حدود زیادی تعیین کننده معنای آیات می باشد.

**ب: قرینه ویژگی مخاطب کلام**

قرینه ویژگی های مخاطب کلام، از قرائن بسیار مهمی است که در کلام باید مورد توجه قرار گیرد.



از اموری که در محاورات عرفی قرینه سخن است و در دلالت الفاظ تأثیر می‌گذارد، آن دسته از ویژگی‌های مخاطب کلام است که گوینده سخن از آن ویژگی‌ها اطلاع کافی دارد؛ زیرا گوینده آگاه به ویژگی‌های مخاطب، از سخن خود، معانی ناسازگار با آن ویژگی‌ها را اراده نمی‌کند؛ پس اگر سخن وی با قطع نظر از ویژگی‌های مخاطب، در معانی ظهور داشته باشد که با آن ویژگی‌ها سازگار نیست، با توجه به آن ویژگی‌ها، یا ظهور مزبور از بین رفته، و سخن، در معنای مناسب با آن ویژگی‌ها ظهور پیدا می‌کند و یا دست کم پی می‌بریم که ظهور مراد گوینده نیست.

از آنجا که قرآن بر مبنای اصول عقلایی محاوره، سخن گفته، نتیجه می‌گیریم که در قرآن نیز ویژگی‌های مخاطب، قرینه کلام است و از جمله آیاتی که تأثیر این قرینه در آنها به خوبی نمایان است، آیاتی است که در آنها به ظاهر، پیامبر اکرم (ص) بالحن عتاب آمیز یا تهدید کننده مورد خطاب واقع شده است؛ زیرا با توجه به معصوم بودن آن حضرت و منزلت والای وی در پیشگاه خدای متعال و ناسازگاری آن با اینکه از وی کاری سرزند که شایسته عتاب یا تهدید باشد، روشن می‌شود که خطاب در این دسته از آیات از باب ایاک اعنی و اسمعی یا جاره است. و عتاب متوجه دیگران است و برای تأثیر گذاری بیشتر یا به دلایل دیگر، آن حضرت مورد خطاب قرار گرفته است. انطباق این اصل در آیات یاد شده، گذشته از آن که با اصول عقلایی محاوره مطابقت دارد، در روایات متعددی نیز با صراحت بیان شده است. ۳۵

از جمله روایاتی که موید این کلام است، حدیث صحیحی است که در اصول کافی آمده و به گونه ای فصل الخطاب کلام در این زمینه است:

محمد بن یحیی، عن ابی عبدالله بن محمد عن علی بن الحکم، عن عبدالله بن

بکیر، عن ابی عبدالله (ع) قال: نزل القرآن بایاک اعنی و اسمعی یا جاره. ۳۶

بر اساس آنچه در جمع بندی گذشت، نتیجه می‌گیریم:

اولاً: بر اساس این قاعده ادبی که سیاق شرط محقق الوقوع نیست بلکه در حالتی انتزاعی بیان می‌کند که اگر این شرط روی دهد، جزای آن حتماً چنین خواهد بود. پس برای صحیح بودن سیاق شرط در کلام حق تعالی ضروری نیست که به طور قطع شک از سوی پیامبر (ص) اتفاق افتاده باشد، بلکه آیات محل بحث از مواردی است که تحقیق

شرط در آن محال است. و علاوه بر این قاعده ادبی که وقوع شک از پیامبر (ص) را نفی می کند یکی از اصول بنیادین مسلمانان، عصمت انبیاء است که با وقوع شک از آنها سازگاری ندارد.

ثانیا: بر اساس حدیث صحیحی که از امام صادق (ع) در کافی آمده، بدین نتیجه می رسیم که قرآن به سبک «ایاک اعنی و اسمعی یا جاره» نازل گشته است تا در راستای اهداف قرآن بیشترین تأثیر گذاری را بر مخاطبان خود داشته باشد، چرا که پیامبر (ص) به چشمه زلال وحی متصل بوده و همه اعمالش تجلی خواست الهی بوده است و در واقع قرآن کریم برای راهبرد مسلمانان به سوی حق و حقیقت نازل گشته است نه آنکه پیامبر (ص) را به سوی حق رهنمون باشد.

و به حق می توان در این جایگاه به کلام علامه طباطبائی (ره) اشاره کرد که فرمودند: تاویل کلام حق تعالی در این آیات این است که این معارفی که خداوند برای تو تبیین کرده است، همراه با استدلالهایی است که عقل را ناچار به قبول می کند. از آنچه گذشت آشکار گشت که بحث این آیات بسی فراتر از وقوع شک و ریب از پیامبر (ص) پیرامون آنچه بر او نازل شده، می باشد، بلکه یکی از شیوه های متقن استدلال بر حقانیت معارف الهی است که به زیباترین نحو و در کوتاه ترین بیان به تصویر کشیده شده است.

هم چنین بر اساس معنی شناسی شک و مریه که در ابتدا گذشت، می توان گفت: مراد خداوند این است که ای پیامبر (ص)! اگر در میان رشته علم امت تو به قرآن، پارگی و خللی ایجاد شده و در شک و یقین سرگردانند، بدان ها بگو، در استدلال هایی که همراه با معارف الهی عرضه گردیده، تأمل نمایند تا به یقین برسند.

۱. ابن منظور، لسان العرب؛ ۱ / ۴۵۱ - ۴۵۳، با تلخیص، چاپ سوم، بیروت، دار الصادر، ۱۴۱۴ ق؛ فخر الدین طریحی، مجمع البحرین، ۵ / ۲۷۶، چاپ دوم، تهران، انتشارات مرتضوی، ۱۳۶۵ ش.
۲. خلیل بن احمد فراهیدی، العین، ۵ / ۲۷۱، چاپ دوم، قم، دار الهجرة ۱۴۱۴ ق.
۳. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ۴۶۱، تحقیق: صفوان عدنان داوودی، چاپ اول، قم، طلیعة نور، ۱۴۲۶ ق.
۴. العین، ۸ / ۳۰۸.
۵. مفردات الفاظ القرآن / ۷۶۶.

۶. لسان العرب، ۱۵ / ۲۷۷ .
۷. خرمشاهی، ترجمه قرآن .
۸. ملا محسن فیض کاشانی، صافی، ۲ / ۴۱۹، چاپ اول، مشهد، دار المرتضی، بی تا .
۹. حویزی، نور الثقلین، ۲ / ۳۱۹ - ۳۲۰، چاپ دوم، قم، انتشارات علمی، بی تا؛ عیاشی، تفسیر عیاشی، ۲ / ۱۲۸، بی جا، تهران کتابفروشی علمی اسلامی، بی تا .
۱۰. ابن عطیة محاریب، المحرر الوجیز، ۳ / ۳۸۸، نسخه سی دی (مکتبة التفسیر و علوم القرآن الجديدة).
۱۱. ماوردی، النکت و العیون، ۲ / ۱۸۳، از نسخه سی دی (مکتبة التفسیر و علوم القرآن الجديدة) .
۱۲. قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ۸ / ۳۸۲، تحقیق: ابواسحاق ابراهیم اطفیش، بی جا، بیروت، دار احیاء تراث عربی، بی تا .
۱۳. ثعالبی، الجواهر الحسان فی تفسیر القرآن، ۲ / ۲۱۲، از نسخه سی دی (مکتبة التفسیر و علوم القرآن الجديدة) .
۱۴. ابی حیان اندلسی، البحر المحیط، ۵ / ۱۹۰ - ۱۹۱، بی جا، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۲۰۰۱ م .
۱۵. ابی السعود، ارشاد العقل السلیم الی مزایا الکتب الکریم، ۳ / ۳۰۵، از نسخه سی دی (مکتبة التفسیر و علوم القرآن الجديدة) .
۱۶. فخر رازی، تفسیر الکبیر، ۱۷ / ۱۵۹ - ۱۶۳، با تلخیص چاپ اول، بی جا، بی تا (نسخه قدیمی) .
۱۷. آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ۸ / ۱۱۹ - ۱۲۱. از نسخه سی دی (مکتبة التفسیر و علوم القرآن الجديدة) .
۱۸. طبرسی، مجمع البیان، ۵ / ۳۲۹، چاپ اول، تهران، چاپ اسوه، ۱۴۲۶ ق .
۱۹. تفسیر الکبیر، ۱۷ / ۱۶۰ .
۲۰. بیضاوی، انوار التنزیل، ۲ / ۲۴۶ - ۲۴۷، چاپ اول، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۱۰ ق .
۲۱. ابوالقاسم کوفی، تفسیر فوات کوفی، ۱ / ۱۸۱، چاپ اول، تهران، انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ ق .
۲۲. مجمع البیان، ۵ / ۳۲۹ .
۲۳. همان / ۳۲۸؛ تفسیر الکبیر، ۱۷ / ۱۶۱ .
۲۴. شریف مرتضی، امالی المرتضی، ۲ / ۳۸۲ - ۳۸۳، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، دارالفکر العربی، ۱۹۹۸ م .
۲۵. الجامع لاحکام القرآن، ۸ / ۳۸۲ .
۲۶. محمد تقی مدرس، من هدی القرآن، ۴ / ۴۵۱ - ۴۵۲ با تلخیص؛ چاپ اول، انتشارات مدرس، ۱۴۰۶ ق .
۲۷. محمد حسین، طباطبائی، المیزان، ۱۰ / ۱۱۶ - ۱۱۹ با تلخیص؛ چاپ دوم، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۲۲ ق .
۲۸. ارشاد العقل السلیم الی مزایا الکتب الکریم، ۳ / ۳۰۵ .
۲۹. روح المعانی، ۸ / ۱۱۹ .
۳۰. المیزان، ۱۰ / ۱۱۶ .
۳۱. امالی المرتضی، ۲ / ۳۸۳ .
۳۲. روح المعانی، ۸ / ۱۲۰ .
۳۳. الجامع لاحکام القرآن، ۸ / ۳۸۲ .
۳۴. من هدی القرآن، ۴ / ۴۵۱ .
۳۵. علی اکبر بابائی، روش شناسی تفسیر قرآن / ۱۷۱ - ۱۷۲، چاپ اول، تهران، پژوهشکده حوزه و دانشگاه (سمت) ۱۳۷۹ ش .
۳۶. کلینی، اصول کافی، ۶ / ۴۷، ترجمه و شرح محمد باقر کمره ای، چاپ سوم، تهران، چاپ اسوه، ۱۳۷۵ ش .